

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

جمعه ۰۸ می ۲۰۲۶

فریده نوری

بگذار بگیریم من و بگذار بگیریم



بگذار بگیریم من و بگذار بگیریم

بگذار بگیریم من و بگذار بگیریم
بگذار که چون ابر به گلزار بگیریم
بگذار به غمخواری خود زار بگیریم
بگذار که از دوری "مرجان" بگیریم

بگذار در این نیمه شب تار بگیریم
در ماتم پژمردن "یگانه گل" امیدم
غمخوار من خسته بجز دیده من نیست
او رفت و امید دل من دور شد از من



بیاس آن همه مهر و وفایت حقیر است این محبت ها برایت



ای خدا آن دختر شب ها کجاست آشنای این دل تنها کجاست

آفتاب عشق من امید من پرده ساز نغمه جاوید من

آن که در من خویش را بنیاد کرد	در سکوت سینه ام فریاد کرد
ما دو تا پروانه های سبزه زار	زندگی را می سرودیم هر کنار
دست غم تصویر خوابم را ربود	زهر غم در هستی من ره گشود
در هوایش زندگانی سرد شد	نالہ شد، فریاد و غم شد، درد شد
ابر پر باران اندوهم خدا	بغض تلخ سخره کوهم خدا
می روم آرام و دلسرد و خموش	کوله بار درد و تنهایی بدوش

